

# { سلسله گفتارهای تبیینی }

# { محور مقاومت }



# طوفان الاقصی  
# نقش\_رسانه‌ای\_ما  
# الگوی\_اجتماعی\_غزه



سلسله گفتارهای تبیینی محور مقاومت «۱»  
# طوفان الاقصی # نقش-رسانه‌ای-ما # الگوی-اجتماعی-غزه

انتشارات مؤسسه  
ایمان جهادی  
۰۲۵ - ۳۳۵۵۱۲۱۲  
۰۹۱۰ - ۲۱۱۵۷۷۶

گردآوری و تنظیم: صهبا

info@sahba.ir



آشنایی با دیگر  
محصولات در  
sahba.ir

سامانه پیامکی

ارسال نام کتاب به  
۳۰۰۰۷۲۲۵۵



## اشاره

در میانهٔ جنگ طوفان الاقصی، توفیقی حاصل شد که در جلسه‌ای در ماه مبارک رمضان ۱۴۰۳، با حضور جمعی از فعالان رسانه‌ای و هنری و مسئولان برخی تشکّل‌های دانشجویی، در خدمت یکی از کارشناسان خبره و میدان‌دیدهٔ مسائل فلسطین باشیم. شرایط جامعهٔ ایران در مواجهه با طوفان الاقصی، باعث شد، درخواست ما را با بزرگواری بپذیرند و وارد میدان تبیین و گفتگوی مستقیم با بدنهٔ مردم شوند.

سال‌ها حضور در میدان و همراهی با فرماندهان عالی و نیروهای فلسطینی، باعث شده ایشان درک کلی دقیقی از مسائل داشته باشند.

آنچه در آن جلسه گذشت، دقیقاً همان چیزی بود که جامعهٔ ما امروز در مواجهه با قضیهٔ فلسطین، به آن نیاز دارد؛ گرچه این معارف باید بیشتر، و با زبان هنر و رسانه، به اجزای جامعه برسد و تکرار شود تا اثری واقعی

و ملموس بگذارد. امیدواریم این فتح باب که با نگاه باز و دغدغه خود ایشان ایجاد شده، با انتشار متن آن جلسه و توفیق ادامه چنین جلساتی، ادامه یابد و بتواند نگاه جامعه ایرانی را به جبهه مقاومت و قضیه محوری فلسطینی رشد دهد. قضیه‌ای که در طوفان الاقصی نشان داد می‌تواند کل دنیا را تکان بدهد. قضیه‌ای که بوی آخرالزمان و فرجام نورانی تاریخ بشریت را به همراه دارد؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «امروز همه دنیای اسلام باید قضیه فلسطین را قضیه خود بدانند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.» ۱۳۸۵/۱/۲۵

## متن جلسه

سلام علیکم..

ضمن تشکر از برادران و آرزوی قبولی طاعات در این ماه مبارک، در ابتدا مقدمه‌ای عرض می‌کنم و اگر دوستان سؤالی داشتند، در حد بضاعت و فهمم پاسخ می‌دهم.

در مورد منطقه و فلسطین، باید بگویم که ما در شرایط حساسی قرار گرفته‌ایم. به‌تعبیری می‌توان گفت ما از مرحلهٔ جنگ سرد و جنگ نرم، وارد جنگ سخت شدیم. البته الان شروع حرکت مقاومت نیست. بیش از چهل سال است که مقاومت شروع شده، اما این مرحله، به استناد فرمایش حضرت آقا، جنگ حق و باطل است، به‌این‌معنا که هیچ‌وقت تمام باطل درمقابل نخبگان حق صف‌آرایی نکرده بودند. واقعاً همهٔ کفر و همهٔ باطل باهم جمع شده‌اند. نمی‌شود گفت درمقابل همهٔ اسلام،

اما می‌توان گفت درمقابل نخبگان و خواص اسلام. و این حادثه بسیار نویدبخشی است. این مرحله بسیار حساس و مهمی است و می‌توان گفت تقدیر خدا بر این است که وعده‌هایش با این حرکت‌ها ان‌شاءالله تحقق پیدا کند.

اینها را به عنوان مقدمه عرض می‌کنم که بحث شروع و گرم بشود. دشمن برای برچیده شدن کار مقاومت در منطقه توطئه‌های فراوانی را چیده بود. کار مقاومت حول عنوان مقدس و شریف قدس بود و در این موضوع با دشمن دست‌وپنجه نرم می‌کرد. بیداری اسلامی یا به قول خودشان بهار عربی ایجاد شد، اما دشمن تلاش کرد تا آن حرکت مبارک را با پاتک و تدابیر مؤثری به انحراف ببرد. اگر انقلاب‌های مردمی منطقه در تونس و مصر و لیبی و کشورهای دیگر به خوبی پیش می‌رفت، تحول بزرگی در منطقه اتفاق می‌افتاد. اما دشمن در آن انحراف ایجاد کرد و رفت به سمتی که تبدیل به کانون بحران علیه انقلاب اسلامی ایران و مقاومت بشود.

الحمدلله با تدابیری که حضرت آقا داشتند و با جدیت و اخلاصی که مقاومت داشت، و در رأس آنها زحماتی که سردار عزیز حاج قاسم سلیمانی کشیدند، این تاکتیک دشمن هم منتهی به خیر شد. الان ما شاهد ظهور و بروز محور مقاومت هستیم که به این شکل درمقابل دشمن ایستادگی می‌کند.

اگر زحمات و درایت رهبری معظّم و مجموعه‌ای که پای کار بودند نبود، دشمن موج‌های بسیار خطرناکی را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی تدارک دیده بود. الحمدلله همه اینها تبدیل به خیر شد؛ آن‌هم در جایی که دشمن تدبیر کرده بود تا ما را برای ده‌ها و صدها سال درگیر فتنه‌ای مذهبی کند. اینکه می‌گویم صدها سال، غلو نیست. چنانچه این رشادت و ایستادگی درمقابل کارهایی که دشمن کرده بود صورت نمی‌گرفت، ما به سمت جنگ مذهبی و فرسایشی بلندمدتی می‌رفتیم، و خدا می‌داند چه هزینه‌هایی به اسلام و مسلمین تحمیل می‌شد.

وقتی نگاه می‌کردی، می‌دیدی که دوسوم نقشه سوریه دست دشمن است، و این به ذهن می‌آمد که: خدایا! تا کی باید روستا به روستا جلو برویم؟! دوتا روستا را بگیرند و بعدش سه تا روستا از دست بدهند. جنگ در مقطعی به همین شکل بود، دو روستا را می‌گرفتند و سه تا را از دست می‌دادند! خیلی باید طول می‌کشید که رنگ این نقشه عوض شود؛ اما الحمدلله خیلی طول نکشید. ما نسبت به اتفاقی که افتاده، هزینه خاصی نکردیم. ما برای خنثی کردن توطئه‌های دشمن هزینه زیادی نکردیم. این همان نصرت الهی بود که خداوند نوید داده. همین که نسبت به حجم سرمایه‌گذاری و توطئه دشمن، در زمان کوتاهی این بساط در عراق و سوریه جمع شد، غیر از معجزه الهی، چیز دیگری نیست.

طوفان الاقصی اتفاق بسیار بزرگی بود. آن قدر شوک بزرگی بود که در ابتدا،



حتی بعضی از خواص در آن دچار تناقض شدند. اول اینکه این کار در بهترین و دقیق‌ترین زمان مناسب برای این عملیات صورت گرفت. چرا الان دشمن این کارها را می‌کند؟ چون طوفان الاقصی همه برنامه‌های دشمن را به هم ریخته، و باعث نابسامانی‌ای در جبهه دشمن شده که عصبانیت و دیوانگی اسرائیل به خاطر همین نکته است.

عادی‌سازی روابط با اسرائیل در منطقه، در مراحل پایانی بود. اگر این توافق انجام می‌شد، به تبع سعودی، حداقل ۹۰ درصد کشورهای اسلامی این کار را انجام می‌دادند. تصور کنید بعد از عادی‌سازی، اسرائیل به عنوان یک کشور، پذیرفته و روابط برقرار شده بود. مقاومت و جمهوری اسلامی تنها می‌ماندند. آن موقع چه کاری می‌شد انجام داد؟ اگر محقق شدن همین یک هدف را مدنظر قرار دهیم، این موضوع به خیلی بیشتر از اینها می‌ارزید.

دوم؛ بحث اسرا مطرح بود. زندانی‌هایی در حد پنج ابد و ده ابد و پنجاه ابد که حدود چهل و پنج سال است در زندان هستند و هیچ امیدی برای آزادی‌شان نبود إلا با تبادل.

سوم؛ دشمن در صدد بود تا عملیات غافلگیرانه‌ای علیه حزب الله و مقاومت فلسطین انجام دهد. این را دشمن بعداً اعتراف کرد. در ایجاد رابطه با اسرائیل توسط کشورهای منطقه، یک مانع جدی وجود داشت و آن مقاومت بود. فلذا آنها می‌خواستند تعدادی از فرماندهان جهاد و



حماس را یک‌جا تسویه کنند. بعد، توافقی سیاسی می‌توانست آن را تکمیل کند. این طوفان عکس‌جریانی که آنها طراحی کردند را رقم زد؛ بساط آنها را به هم زد و مقاومت به همه اهداف خودش رسید.

اهداف مقاومت بر روی این بنا نشده که اگر مردم کشته شدند مقاومت کوتاه بیاید. شما برای تحقق اهداف بزرگ باید هزینه بدهید. فلسطینی‌ها قبلاً هم این هزینه‌ها را می‌دادند، بدون اینکه دستاوردی داشته باشند. ده‌ها سال است که این هزینه‌ها بدون دستاورد در حال پرداخت است. اما الان، دیگر اسرائیل هم می‌گوید این جنگ، جنگ وجودی است. اگر هم بین خودشان با نتانیاهو اختلاف وجود دارد، در مورد اصل جنگ نیست، بلکه بر روی شکل جنگ است. دیگر بین نخبگان و مردم اسرائیل این اجماع وجود دارد که بزنید و بکشید تا ریشه اینها را بخشکانید. ولی با این وجود، دشمن به هیچ‌کدام از اهدافش نرسیده است.

هدف اصلی‌شان این بود که مقاومت را نابود کنند. ولی می‌بینند هرچا عقب‌نشینی می‌شود، حماس دوباره از همان‌جا بیرون می‌آید و حمله دوم مقاومت از حمله اولش قوی‌تر است؛ چون اولاً خودشان را با وضعیت تطبیق داده‌اند؛ ثانیاً چیزی برای از دست دادن ندارند.

الان می‌شود این جمله را با صراحت گفت که مقاومت به اهدافش رسیده و دشمن مقاومت به هیچ‌کدام از اهدافش نرسیده است. من از شما خواهش می‌کنم صحبت‌های حضرت آقا در این ماه‌های جنگ را با دقت

مطالعه کنید. بهترین و دقیق‌ترین روشنگری در این ایام از طرف ایشان بوده است. این را به‌عنوان کسی می‌گویم که در همهٔ روزهای این نبرد، در جریان اتفاقات بودم و دیدم. مطالب ایشان از روز اول، بسیار رساتر از خود شخصیت‌ها و فرماندهان فلسطینی بود. این قدری که مسئله و میدان برای آقا روشن بود برای این عزیزان نبود.

الحمدلله ما در شرایطی هستیم که دشمن با همهٔ ماشین‌آلات جنگی و امکانات مادی و امپراتوری رسانه‌ای خود واقعاً درمقابل قدرت مقاومت زبون و ناتوان است. شما می‌بینید که دشمن صهیونیستی با چند لشکر درمقابل تعداد محدودی از نیروهای مقاومت، زمین‌گیر شده است. طوری گیر کرده که نه امکان جلورفت دارد و نه امکان پس‌رفت؛ نه امکان خروج دارد نه امکان ادامه‌دادن. به‌تعبیر آقا، دشمن درمقابل تعدادی نیروی با کمترین امکانات، زمین‌گیر شده است.

کم‌هزینه‌ترین مقاومت، مقاومت غزه است. چون سلاحی که آنها دارند، فشنگ قناصه و آرپی‌جی و تعدادی بمب کنارجاده‌ای است؛ چیز دیگری ندارند. هیچ‌کدام از امکانات و سلاح‌های معمول در جنگ‌ها برای مقاومت غزه نیست. کم‌هزینه‌ترین و ارزان‌ترین مقاومت، در غزه دارد اتفاق می‌افتد و با این حال، دشمن را زمین‌گیر کرده. این همان معادلهٔ پیروزی اراده است.

ارزیابی وضعیت دشمن به تخریبی که صورت می‌دهد یا به کشته‌هایی

که بر جای می‌گذارد، نیست. اتفاقاتی که در غزه افتاده، دلیلی بر قدرت و توانمندی دشمن یا مسلط‌بودن دشمن نیست. اینها همه دلیل بر ضعف دشمن است. بله، قدرت نظامی دارد و بیشتر از هفت‌هزار تُن – به‌اندازهٔ هفت بمب اتم – مواد منفجره در غزه ریخته است. غزه هم مثل کف دست صاف است و هیچ عارضهٔ طبیعی ندارد. به تعبیری روی یک چهارپایه که بروید، از اول تا آخر غزه را می‌توانید ببینید. با ماشین، عرض غزه را پنج دقیقه‌ای می‌توان رفت و طولش را نیم‌ساعته. هفت ماه است، این غزه، با این مشخصات را دشمن دارد شخم می‌زند!

رئیس‌جمهور آمریکا آمده در رأس جلسهٔ هفت‌ساعتهٔ جنگ نشسته و همه را هم بسیج کرده؛ اما به هیچ‌کدام از اهدافی که مشخص کرده بودند دست پیدا نکردند. این، غیر از معجزه و وعدهٔ الهی، چه می‌تواند باشد. بله، کشتار مردم قطعاً آزاددهنده است، گرسنگی و تشنگی و شرایط سخت زندگی آنها غیر قابل توصیف است. یکی از حوادثی که در غزه اتفاق افتاده است را هم نمی‌شود بیان و تفسیر کرد؛ با هیچ زبانی. هر قدر هنر در چنته داشته باشیم، نمی‌شود صحنه‌ای از صحنه‌های اینارو مقاومت و گذشت مردم را ترسیم کنیم. در برخی از مناطق شمال غزه، علفی روی زمین و برگی روی درخت نمانده، و مردم... اینکه چوب‌های مبل خانه‌ها را خرد کردند و قاطی آرد کردند تا نان بیشتری بپزند؛ گرسنگی و تشنگی به‌معنای واقعی. هفت ماه است بچه‌های رزمنده غذای سیر نخورده‌اند. در ماه مبارک،

سحری فقط چند دانه خرما می‌خورند و تمام روز می‌جنگند؛ ولی آخ نگفتند، یک‌ذره عقب‌نشینی نکردند. خانه‌هایشان را از دست دادند، خانواده‌هایشان را از دست دادند. هرچه داشتند و نداشتند از دست دادند؛ باین حال روی خرابه‌های خانه ندا می‌دهند: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳)

حضرت آقا بعد از چندین سال می‌فرمایند در مورد دفاع مقدس بنویسید و فیلم بسازید، این همه هم کار شده، اما شاید ده درصد میزان مدنظر آقا هم انجام نشده باشد. غزه هم مانند دفاع مقدس جای کار بسیار زیادی دارد. چه شد که این مردم مثل کوه دارند مقاومت می‌کنند و علی‌رغم فشارها، کم نیاوردند؟

روی این جامعه کار تربیتی شده است. از هزار و دویست نفر عملیات‌کننده روز هفتم اکتبر (پانزده مهر)، پانصد نفر حافظ کل قرآن بودند و بقیه هم حافظ چند جزء. جامعه غزه رها نشد. اما ما، در برخی مسائل، جامعه خودمان را رها کردیم و کار فرهنگی و تبیینی نکرده‌ایم. از این شوک غزه باید عبرت بگیریم و برای خودمان و خانواده‌مان و جامعه‌مان برنامه بریزیم. اگر برایتان سؤال شد که جامعه غزه چگونه ایستادگی کرد؟ جوابش همین است که کار کردند و زحمت کشیدند. جلسات آزمون حفظ قرآن در غزه مثل کشورهای دیگر نیست. در عموم کشورها، برای آزمون حفظ، از جاهای مختلف قرآن می‌پرسند و بعد مشخص می‌کنند که فرد حافظ قرآن است. در غزه وقتی استاد می‌خواهد تأیید کند فردی حافظ قرآن

است، باید آن فرد در یک روز - عموماً یکی از روزهای ماه مبارک رمضان - کل قرآن را از حفظ بخواند. از صبح تا غروب، و فقط برای نماز بلند می‌شوند. سال گذشته در یک جلسه، ۱۴۵۰ نفر در مقابل ۱۴۵۰ استاد نشستند و کل قرآن را خواندند.

دشمنی که توانسته بود وجهه‌ای برای خودش کسب کند و بگوید که دموکراسی و آزادی و پیشرفت دارد، چرا حاضر می‌شود همه آنچه را که به دست آورده از دست بدهد و مقید به هیچ وجهه‌ای نماند؟ چون این جنگ وجودی است، جنگ حیات و ممات است. در حیات و ممات، فرد مقید به آبرو و قضاوت دیگران نیست. دارد از بین می‌رود و می‌خواهد خودش را حفظ کند، دیگر مسائل آبرویی مهم نیست.

این نکته مهمی است. همین که مقاومت قادر بوده جنگی را به دشمن تحمیل کند که دشمن باور نکند این جنگ، جنگ وجودی است، این به هر قیمتی می‌ارزید. این دستاورد بزرگی است.

این حرف‌ها به این معنا نیست که کسی نسبت به کشتار و فجایع و ظلمی که بر مردم حادث می‌شود، بی‌تفاوت است. کسانی هستند که هیچ عضوی از خانواده‌شان نمانده؛ کل طایفه و عائله از بین رفتند، اما در مقابل آرمان و هدف الهی. هر روز باید خدا را شکر کنیم و سجده کنیم به خاطر این نعمت بزرگ، که با کمترین هزینه به دست آمده.

اینکه نوجوان روی خرابه خانه، قرآن می‌خواند، تجدید اسلام است،

ظهور مجدد اسلام است. شما هفت ماه است که پای رسانه نشستهاید، یک صحنه از یک زن بی حجاب که از زیر آوار بیرون می کشند دیده اید؟ آرمان گرایی این است: حرفی می زنیم و پای آن می ایستیم؛ یعنی می خواهیم قرآن را پیاده کنیم.

حوادث طبیعی در دنیا بیشتر از اینها از مردم هزینه می گیرد. چه زیباست که یک نفر با اراده بایستد و یک کلمه نگوید که دشمن را خوشحال کند. هفت ماه است مردم هر حرفی می زنند، دشمن بیشتر لجش می گیرد. حضرت آقا فرمودند که اینها اسلام را زنده کردند.

مثلاً تحولی که در افکار عمومی غرب و دانشگاه های آمریکا و غرب ایجاد شده را در نظر بگیرید. چقدر باید کار می شد که چنین تحولی در افکار عمومی ایجاد شود. اگر اسرائیل با بمب اتم ایران را می زد، این تحول و انزجار علیه رژیم صهیونیستی در غرب ایجاد نمی شد! علاوه بر اینکه دشمن نمی توانست چنین کاری را در ایران انجام بدهد، چقدر باید کار می شد و تلاش صورت می گرفت تا افکار عمومی غرب، که در بست در اختیار رژیم صهیونیستی بود، تغییر کند؟

امروز به اعتراف خود بایدن در تماسی که با نتانیاهو داشته، هیچ دوستی برای اسرائیل نمانده است. قصد ندارم بایدن را شاهد بگیرم، خودمان برداشت داریم و می بینیم.

قبل از ماجرای طوفان الاقصی، مگر قرآن سوزی و اسلام هراسی در غرب

نداشتیم؟ اما الان جایش را به اسلام‌گرایی داده است. هزاران نفر برایشان سؤال شده که این چه دینی است که باعث شده مردم غزه خودشان را با تمسک به آن، حفظ کنند.

تا قبل از طوفان الاقصی بعضی از جریان‌های مقاومت شاید در برخی از مسائل باهم تعارض هم داشتند، هدف‌گیری و جهت‌گیری درست بود، اما تعارض داشتند؛ اما الان شده اتاق مشترک، فکر مشترک، عملیات مشترک. همین محور مقاومتی که الان در کنار هم جمع شدند، درگیر ماجراهای داخلی خودشان بودند، اما طوفان الاقصی باعث شد که همه کمک کنند و بساط ماجرای عادی‌سازی بهم بخورد. برنامه بود که کشورهای عربی و اسلامی بعد از عادی‌سازی رابطه عربستان با اسرائیل، همه صف بکشند برای عادی‌سازی؛ و این، باعث می‌شد که ثروت کشورهای عربی بیاید در کنار قدرت اسرائیل. همراهی قدرت و ثروت منطقه در برابر چه کسی؟ باید می‌دیدیم که بعد از دوستی کل منطقه با اسرائیل، بیشترین سود را چه کسی می‌برد؟! اما محور مقاومت تاریخ را عوض کرد؛ کار درست و در موقع درست.

در مجموع، این اتفاق طوفان الاقصی، خیلی میمون و مبارک بود و به بیان حضرت آقا؛ در این جنگ پیروزی با مقاومت و حماس خواهد بود. یک وقت هست می‌گوییم مقاومت پیروز می‌شود، یک وقت می‌گوییم حماس هم حفظ و پیروز می‌شود.

فردای شکست، شکست چه کسی است؟ سرداران رشید ما که کار خودشان را کرده بودند و عمر خودشان را کرده بودند، یک چیزی هم گیر آنها آمد و شهید شدند و رفتند؛ اما اگر پای کار نباشیم، ممکن است مجبور شویم هزینه‌های دیگر و بیشتری بپردازیم.

در ادامهٔ صحبت امشبمان، مایلم که جلسه به صورت سؤال و جواب جلو برود تا نکات شما عزیزان را هم بشنویم.





مسئله‌ای که برای خودم وجود دارد این است که جامعه ایران بتواند با مقاومت فلسطین نسبت برقرار کند. گاهی من امری را خیلی دور می‌بینم؛ در حد توانم به او کمک مالی می‌کنم، آهی می‌کشم، یا از ظرفیت رسانه‌ای استفاده و سعی می‌کنم با او همراه بشوم. یک موقع هست که خیلی دور نیست از ذهن من، مثلاً برای بچه برادر من اتفاقی افتاده، و من ظرفیتی از خودم را پای کار او می‌آورم و درگیر می‌شوم. این دو خیلی متفاوت خواهد بود.

حس می‌کنم مسئله فلسطین برای ما هنوز خیلی دور است، و شاید همین حجاب باعث می‌شود تا آن ظرفیتی که می‌شود پای کار آورد را نیاورم. شاید یکی از دلایل این دوری، مسئله مذهبی باشد که گویا هنوز در جامعه ما حل نشده و بحث شیعه

و سنی بر نگاه ما به مردم فلسطین اثر گذاشته. ما حتی اعتقاد و تعصب نسبت به مسجدالاقصی را درک نمی‌کنیم، درحالی‌که آنها جانیشان را برای قدس می‌دهند؛ همان‌طور که مثلاً ما حاضریم برای دفاع از حرم امام حسین جان بدهیم.

---

من فقط برداشت خودم را باتوجه به سال‌ها حضور و ارتباط با موضوع، عرض می‌کنم.

آن شعار وحدتی که حضرت امام دادند، ابتر ماند. بخشی از این اتفاق به رفتار متحجرین خودمان برمی‌گردد. شاید تصور کردند قداست قدس ممکن است به قداست سایر مکان‌ها لطمه بزند؛ درحالی‌که ربطی ندارد.

قداست مدینه به قداست کربلا لطمه می‌زند؟

نقل می‌شود که امام صادق شب‌ها برای محلهٔ خوارج آذوقه می‌بردند. کار تبلیغی که نمی‌کردند. آنها مستمند شیعه نبودند، مستمند خوارج بودند. اینکه گفته می‌شود رحمة للعالمین، یا وقتی گفته می‌شود حکومت عدل جهانی، یعنی همه مهم هستند. اما گاهی تعصبات مذهبی ما باعث می‌شود که فکر کنیم شعب‌الله مختار (ملت برگزیده خدا) هستیم و خدا فقط ما را دوست دارد، امام زمان هم فقط برای ماست و بقیه مهم نیستند. متأسفانه این حالت در بعضی از ما وجود دارد و گفته می‌شود مردم فلسطین چون ولایت امیرالمؤمنین را قبول ندارند، خودی نیستند. درحالی‌که رسالت انبیا

و رسالت الهی این گونه نیست. شیعهٔ مُحَبِّ وقتی می‌تواند مدعی باشد که دغدغه‌اش نسبت به یک سَنّی، کمتر از شیعه نباشد.

دشمن هم بیکار ننشسته است. در لندن، در همان ساختمانی که تلویزیون افراطی شیعه هست، در همان ساختمان تلویزیون افراطی سَنّی هم هست؛ باهم هم غذا می‌خورند. ما چقدر پاتک زدیم؟

این روایت را شنیده‌ام و به آن عمل هم می‌کنم؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که اگر پشت سر اهل سنت نماز بخوانید، گویا پشت سر من نماز خوانده‌اید. ما الان چقدر اهل سنت در ایران داریم، آیا آنها خودشان را از ما می‌دانند؟ علت اینکه نمی‌دانند، بخشی مربوط است به رسانهٔ دشمن، اما بخشی مربوط است به عملکرد ما. ما چه کار کرده‌ایم که او خودش را از ما بداند؟ گاهی ما کاری می‌کنیم که او خودش را از ما نبیند! ما به رسالت دینی و اسلامی خودمان خوب عمل نکردیم. هم حضرت امام و هم حضرت آقا فرمودند که قرار نیست آنها شیعه بشوند یا ما سَنّی بشویم. اما اگر کاری می‌کردیم که فرد سَنّی می‌فهمید که دغدغهٔ ما نسبت به او، کمتر از خودمان نیست، کفایت می‌کرد.

به لطف الهی و تدبیر حضرت آقا، و روشی که حاج قاسم و حاج اسماعیل داشتند و دارند، فرماندهان ما در ارتباط با نیروهای مقاومت فلسطین و اهل سنت، به همین الگو عمل می‌کنند. مسئولان و نیروها و کادرهای فلسطینی، این احساس را دارند به آنها. این هم به آن معنا نیست که ما از

آنها تقلید کنیم، نه. آنها مناسبت‌های خودشان را دارند، ما مناسبت‌های خودمان را داریم؛ آنها اذکار خودشان را دارند، ما اذکار خودمان را داریم؛ آنها پشت‌سر ما نماز می‌خوانند، ما پشت آنها نماز می‌خوانیم. ولی وقتی که بناست بنده به او به‌عنوان انسان نگاه کنم، حالتی دارم که او را از خودم برتر می‌دانم. چرا برتر از من است؟ چون من نعمتی به نام ولایت امیرالمؤمنین را دارم که او ندارد. حالا او که این نعمت را ندارد و هنوز این طور پای کار است، پس برتر از من است. حساب و کتاب خدا که مثل ما نیست، خدا به هر میزانی که نعمت داده به همان میزان مطالبه می‌کند. وقتی نعمت ولایت امیرالمؤمنین را به او نداده، اما او پای کار است، پس او برتر از من است.

در سال ۲۰۱۲ در ضاحیه بیروت، انفجاری تروریستی اتفاق افتاد. آقای محمد ضیف نامه فرستاد برای آقا سید حسن نصرالله. در نامه نوشته بود: آنهایی که این انفجارات را انجام می‌دهند، خوارج زمان هستند. این نامه در زمانی است که اغلب اهل سنت در مقابل سوریه صف کشیده بودند. خب، این فهم چقدر ارزش دارد که در سخت‌ترین و بدترین شرایط، که اغلب اهل سنت به‌خاطر شبهه و غفلتی که صورت گرفته بود، در موضع مخالفت قرار داشتند، اما این آدم رسالت خودش را فراموش نمی‌کند. نامه می‌نویسد و موضع خودش را شفاف و علنی بیان می‌کند؛ این یعنی بینش. با هیچ چیز نمی‌شود آن را مقایسه کرد. آقای محمد ضیف فردی

عادی نیست، کسی است که اهل سنت او را نگین تاج سر خود می‌دانند! اما چون بینش و فکرش درست است، رسالتش را فراموش نمی‌کند. آن‌موقع این موضع اهمیت زیادی داشت و او هزینه کرد که راه را به دیگران نشان بدهد. خب، ما هم جایی که لازم است هزینه کنیم، باید هزینه کنیم.

وقتی او پای کار مقاومت است و محکم هم هست و هزینه هم می‌کند، و به همه زرو زور و تزویر هم پشت کرده، نباید به او کم‌توجهی و کم‌محلی کرد. متأسفانه قبل از طوفان‌الاقصی در ایران و در میان بعضی از خواص فضای بدی نسبت به حماس بود.

حماس کسی است که همه درهای دنیا به رویش باز بوده، همه درهای دنیا! اگر اراده می‌کرد، کشورهای عربی همه حاضر بودند او را به جای سُلطه (تشکیلات خودگردان فلسطین) به رسمیت بشناسند. اما فقط به دلیل اینکه حاضر نشد از مقاومت و عقیده اسلامی دست بکشد، مورد قهر و محاصره همه کشورهای عربی قرار گرفت و او را کنار گذاشتند. سعودی‌ها صراحتاً به آنها گفتند که هر میزان کمکی که ایران به شما می‌کند، ما دوبرابر آن را کمک می‌کنیم. آنها به سعودی جواب دادند که ما کمک مشروط شما را قبول نمی‌کنیم. ما مقاومت هستیم و به کمک همه احتیاج داریم، ایران کمک کند، شما هم کمک کنید.

اینها را ما و بعضی از مسئولین در ایران ندیدیم. چه کسی از شما می‌داند که حماس سه بار از طرف الظواهری (رهبر القاعده) تکفیر شده؟ چه کسی می‌داند که نزدیکان رهبران حماس جذب داعش شدند تا آنها را ترور کنند؟ و بعد او را گرفتند و روی او کار فکری کردند، نهایتاً توبه هم کرد و آزاد شد؛ هیچ جایی هم نگفتند. چرا علیه الظواهری موضع جنگی نگرفتند؟ منطق آنها منطق درستی است؛ می‌گویند ما مقاومت هستیم و علیه اسرائیل در جنگیم؛ اگر بخواهیم وارد جنگ‌های داخلی بشویم، کارمان تمام است. ما اگر با این ناملایمت‌ها هم مواجه می‌شویم، باید سکوت کنیم و از آن عبور کنیم. البته این به آن معنا نیست که موضع سیاسی نگیرند. همین حماس، وقتی طرفداران یک جریان تکفیری در یک مسجد در رَفَج جمع شدند تا فتنه‌ای راه بیندازد، به آنها حمله کرد و همه را کشت و صدایش هم درنیامد.

فضای بعضی از خواص در ایران، قبل از طوفان الاقصی، علیه حماس بود. تا جنگی می‌شود، فضا به سمت حماس است، اما سه ماه بعد از جنگ، فضای تشکیک علیه حماس شروع می‌شود. و گفته می‌شود که حماس رفت و ساخت و پاخت و سازش کرد.

ما وقتی داریم از حماس حرف می‌زنیم، کل حماس را می‌گوییم. این حماس، اسماعیل هنیه را هم دارد، محمد ضیف را هم دارد، یحیی سنوار را هم دارد و دیگران را هم دارد. وقتی تغییراتی در تشکیلات

ایجاد می‌شود یعنی جریانی به دنبال اصلاح است. اکثریت بدنهٔ حماس، نمی‌توانستند غلط را بپذیرند. رفتار بعضی‌ها غلط بود، رفتار اشتباه و بد دیگران نیز او را غلط‌تر کرد. اما در کنار این غلط، صدتا شخصیت درست هم هست.



برای بچه‌های هنرمند سخت است وارد عرصهٔ تولید تلویزیونی در موضوع فلسطین بشوند. برای تولید، لازم است که ادبیات فلسطینی وسط بیاید، تاریخ شفاهی فعال شود. ما خیلی فاصله داریم از فرهنگ فلسطینی و همین هم باعث می‌شود نویسنده نتواند خوب وارد بشود.

---

بحث درست و بسیار مهمی است. یک نکته را هم بنده اضافه کنم که در کارهایی که ان‌شاءالله خواهید کرد، لازم نیست تولیدات معطوف به مقاومت باشد. ما باید فلسطین و فلسطینی را هم خوب بشناسیم. بیت‌المقدس را بشناسیم؛ اینها پایه هستند. بعد مسئلهٔ مقاومت خودبه‌خود توجیه‌پذیر می‌شود. مسئله در فلسطین اختلاف مرزی نیست، بلکه مسئلهٔ اعتقادی و دینی و فکری است. این را ابتدا برای جامعهٔ خودمان باید جا انداخت.



معذرت می‌خواهم که کمی تلخ صحبت می‌کنم. ما در دو جبهه داریم می‌جنگیم:

جبهه اول، جبهه‌ای که رزمندگان مقاومت در آن هستند. فتنه‌های مختلف، مثل سوریه، انحراف بهار عربی و... را جمع کردند و در فلسطین هم دارد کارش را خوب پیش می‌برد الحمدلله. جیسون برادشکی همان روزهای اول شروع طوفان الاقصی، توییتی زد خطاب به متحدان خودش که شما متوجه نیستید، این مقاومتی که الان جلوی شما ایستاده، ناتوی ایران است. گذشته دورانی که مقاومت پراکسی (نیروی نیابتی) بوده، الان با ناتوی ایران مواجه هستید.

آنها در جنگ خودشون خوب جنگیدند. اما جبهه دوم، جبهه سبک زندگی اینجاست. که در این جبهه، نتوانستیم برآیند مؤثری داشته باشیم. اولین حمله‌ای که در این جبهه به ما شد، مانور تجمل بود و ما هنوز داریم از همان ضربه می‌خوریم. مسئله ما این نیست که داستان فلسطین را تعریف نکردیم، مسئله ما این است که ما نسلی را تربیت کرده‌ایم که چنان با تجمل و مصرف‌گرایی تربیت شده است که اصلاً نمی‌تواند روایت مقاومت را بپذیرد. ما در سبک زندگی، جبهه را باخته‌ایم.



می‌شود سریال پنجاه و دو قسمتی از مقاومت ساخت، جزو وظایف ما هم هست، اما دیده نخواهد شد و فهم نخواهد شد، چون ما سبک زندگی را باخته‌ایم. در غزه می‌بینیم که آنها با کمترین امکانات، جلوی اسرائیلی ایستاده‌اند که دم‌دستی‌ترین اسباب‌بازی‌اش مرکاواست. این مقاومت فقط از راه صبر و استقامت و مداومت پیروز می‌شود، و ما اینها را در سبک زندگی تحمیلی خودمان گشته‌ایم.

---

درست است. علت عقب‌افتادگی همین بود که ما تربیت جامعه را تا حدودی رها کردیم، اما آنها جامعه خودشان را تربیت کردند و ایستادگی کردند؛ هم در بحث فرهنگی و هم در مسئله استقامت. تصور اینکه غزه هفده سال در محاصره بوده، و هفت ماه است که دارد شخم می‌خورد و هنوز دست دشمن به فرماندهان غزه و حتی به اسرا هم نرسیده، واقعاً شبیه به تخیل است. این، یعنی آن فلسطینی، در این هفده سال روی خودش کار کرده. آن جوان فلسطینی دو ماه پشت سرهم باید تونل می‌کند، چون امکان تبادل نیرو سخت بود، باید دو ماه بدون آفتاب، زیر زمین می‌ماند؛ که نتیجه‌اش به اعتراف دشمن، شده بیش از پانصد ششصد کیلومتر تونل. اما ما در جامعه خودمان، فرمول دیگری را تزریق می‌کنیم و توقع نتیجه دیگری را داریم. ما از جامعه خودمان انتظار دیگری داریم.

در همین جنگ، کوتاهی‌های جدی صورت گرفته؛ هم از طرف بعضی مسئولین، هم از طرف اصحاب رسانه. در هفته اول، به خاطر مشکلات معیشتی و اقتصادی بعضی می‌ترسیدند از طوفان الاقصی صحبت بشود. خوب، در چنین وضعیتی آیا می‌توان کشور مقاومتی ایجاد کرد؟ البته در حالت یأس نیستیم و نمی‌گوییم نمی‌شود، اما عقب افتادیم.

مجدداً تأکید می‌کنم که لازم است همه ما روی این موضوع کار جدی کنیم و میدان اصلی هم میدان جهاد تبیین است. باید برای مردم اصل و اساس قضیه را باز کنیم؛ آن‌هم با زبان هنر و رسانه. در نقش هنر و رسانه در این جنگ، با صراحت می‌توان گفت که اگر هنر و رسانه نبود، غزه در غزه می‌مُرد. ما که عَلمدار و پیشتاز این جریان بودیم، در بعضی موارد از این حرکت عقب ماندیم و متناسب با سرعت آن کار نکردیم.

قطعاً علت‌هایی دارد که باید به آن پرداخت و برای معالجه آن هم برنامه ریخت. خدا نکند که ما مشمول این قول الهی باشیم که «يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» (توبه/ ۳۹). ان شاء الله که پرچم از ما گرفته نشود. ان شاء الله به برکت خون شهدا و عزیزان دغدغه‌مندی مثل شما حضرات و خیلی از افرادی که در محرومیت و محدودیت و مشکلات زیاد این عرصه، کار و تلاش می‌کنند و خون جگر می‌خورند و ممکن است صدایشان هم به جایی نرسد، خدا کمک می‌کند و عقب نمی‌مانیم.



در بحث افکار عمومی، در دنیا اتفاقات مثبتی افتاده، بزرگ‌ترین نظرسنجی برای مورنینگ کانسالت بود که در چهل و سه کشور، قبل و بعد از جنگ غزه نظرسنجی کرده بود. در چهل و دو کشور، مردم نسبت به اسرائیل منفی‌تر شده بودند. کمترین کاهش برای آمریکا بود که خب، اثرگذاری در آنجا خیلی سخت است. اما در انگلیس، هجده درصد منفی‌تر شده بود نگاه مردم.

در سلبریتی‌های غربی واکنش‌های خوبی می‌بینیم. در مراسم اسکار اخیر، چند نفر به‌نشانه حمایت از فلسطین، پین قرمز نصب کرده بودند. حتی بعضی سلبریتی‌های صهیونیست مثل دیوید شوپمر هم نسبت به عملکرد اسرائیل منتقد شده‌اند. اما سلبریتی خودمان، نهایتاً می‌گوید «لعنت به جنگ»، حتی نمی‌گوید کدام جنگ.

احساس می‌کنم یک مشکل در مسئله فلسطین این است که بحث کاملاً حکومتی شده است. در کانادا، دانشگاهی پیدا نمی‌کنیم که انجمن ضد اسرائیل نداشته باشد، اما در دانشگاه‌های خودمان تقریباً هیچ چیز نداریم. مردم احساس می‌کنند حکومت و صداسیما وظیفه دارد و خودش را کنار کشیده‌اند. موانع حضور مردم باید رفع شود تا خود مردم حضور پیدا کنند.

خیلی ممنون، استفاده کردم؛ نکته‌ای به ذهنم آمد که خوب است بگویم. خیلی برداشت‌ها ممکن است این باشد که فلسطینی‌ها مطالبه دارند ایران وارد عمل بشود و مسئله را حل کند. درحالی که واقعاً نظر عمدهٔ مسؤلان مقاومت فلسطینی این است که ایران نباید وارد جنگ بشود، چون ایران تکیه‌گاه و اُمُّ القُرَاسَت. اگر مقاومت در جایی لطمه ببیند بعداً می‌شود ترمیم کرد؛ اما اگر جمهوری اسلامی از بین برود، قابل جبران نیست، بر کل منطقه و مقاومت اثر منفی مستقیم می‌گذارد.

در مورد کمک‌هایی که به غزه می‌شود، نکته‌ای بگویم. اتهام اولی که به نتانیاهو در داخل خود اسرائیل می‌زنند، چیست؟ این است که چرا ماهیانه سی چهل میلیون دلار، پول قطرا را آوردی و دادی دست حماس که بلای جان ما شده. از نگاه اسرائیلی‌ها، آنچه در هفت اکتبر اتفاق افتاده، حاصل مدیریت اشتباه نتانیاهو بوده که با دست خودش پول ماهیانهٔ قطرا را به حماس داده است. اصلاً چرا این پول را دادند به حماس؟ حماس توانسته بود برای همه این باورها ایجاد بکند که دغدغه‌اش رسیدگی به معیشت و خورد و خوراک مردم است. از اسرائیل تا کشورهای عربی خام این موضوع شده بودند. آنها اگر می‌خواستند فقط به فکر معیشت باشند که راه‌های زیادی داشتند و همهٔ درها هم برایشان باز بود.

خود غزه‌ای‌ها می‌گویند که خرابی‌ها درست می‌شود، اما اگر کوتاه بیایم، مقاومت دیگر درست نمی‌شود. وقتی آمار شهدا اعلام می‌شود، خودشان

به خودشان دل‌داری می‌دهند که همین‌الان هفتاد‌هزار زن باردار در غزه هستند. شناخت اینها، واقعاً فضیلت است. ما هرچه بتوانیم باید راه رسیدن این فضیلت‌ها را به مردم و محیط‌های دانشگاهی خودمان باز کنیم. این موارد و بسیاری دیگر، اگر به صورت درست و از زبان‌هایی که به آنها اعتماد هست، بیان شود، قطعاً مؤثر خواهد بود.

شما راهپیمایی روز قدس امسال را در ایران ببینید، چه غوغایی به پا شد، لذا نباید ناامید شد. البته در همان راهپیمایی عظیم تهران - بنده هم در بین مردم بودم - خطبا خطبه‌های قوی برای مردم بیان نکردند.



در مورد اینکه چرا به این شرایط افتاده‌ایم، و مردم همراه نشدند، یک علتش یک‌بام و دوهوا بودن نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. ما در یک نظام پول‌پاشی فرهنگی افتاده‌ایم. خیلی از مجموعه‌های بزرگ، قرار بود از گروه‌های مردمی حمایت کنند، اما دور باطلی زده شد و تبدیل شد به حمایت‌های غیر مردمی. برخی سازمان‌های ما، خودشان دارند پول‌پاشی می‌کنند و فاصله ایجاد می‌کنند بین مردم و آرمان‌های جمهوری اسلامی.

ما در قطر رفتیم برای حمایت از فلسطین، و دیدیم رایزنی فرهنگی ما در قطر پرت‌ترین غرفه را داشت.

شکافی که بین مردم و آرمان‌ها پیش آمده، نیاز به چکش کاری در سطوح بالای مسئولین دارد. ما هنرمندان هم هنوز هم جهت نشده‌ایم.

البته این را هم در کنار غصه‌ها بگویم که جوانان امروز، برخلاف آنچه بعضی می‌گویند یا از ظاهر برداشت می‌کنند، در قلبشان به موضوع فلسطین عُلقه دارند و نسبت به مظلومیت آنها حساس هستند. خود من در دانشگاه تهران و در بین دانشجویان هنر که شاید در ظاهر بیشترین فاصله را با ما دارند، حرف‌هایم را می‌زنم. البته هیچ‌وقت در مورد پوشش و حجاب چیزی نمی‌گویم، اما در مبانی و انقلابی‌گری خودم را سانسور نمی‌کنم. حالا مقصودم موضوع فلسطین است. وقتی در بین همین دانشجویها در کلاس یا در فضای مجازی، از ظلم اسرائیل و حمایت از مقاومت می‌گویم، همان دختر دانشجوی بی‌حجاب، می‌گوید که ما با وجود اختلاف شدید، این را قبول داریم و اختلاف ما در مسائل داخلی، نباید چشممان را به این ظلم بیندود. و جالب اینکه دیدیم پرداختن به فلسطین و دیدن اخبار این مظلومیت و مقاومتِ عجیب، حتی در پوشش این بچه‌ها اثر گذاشت و ساده‌تر در دانشگاه حاضر شدند.

اولاً، عرض ما هم همین است که این ایرادات و اشکالاتی که دیده می‌شود باید رفع شود. ولی یک قاعده و توصیه علمی و فقهی است که می‌گوید: تغییر با صحبت درگوشی ممکن نیست! باید درمقابل هر حادثه‌ای احساس مسئولیت کرد. من اول خودم و بعد همه دوستان را مخاطب پیام همین مثال‌هایی که زدید می‌دانم. همین مسئله غرغه ایران در نمایشگاه قطر، یا هر موردی که انسان مواجه می‌شود و نکته‌ای را احساس می‌کند، همان موقع باید دست‌به‌قلم شود. توجیهاتی نظیر: حالا به کی بگویم؟ اینها که گفتیم چه اثری کرده؟ چه کسی توجه دارد؟ درست نیست.

علاوه‌براین، راه علمی و آکادمیکی جز گفتن و انعکاس دادن وجود ندارد. حداقل تأثیر منعکس کردن این اتفاقات و مسائل، رفع مسئولیت شرعی آن از دوش خودتان است. با این کار برای خیلی از اشخاصی که دنبال این مسائل هستند و دسترسی ندارند هم کار درست می‌کنید. در حوزه کار خودمان، خیلی از این نوع مسائل کاملاً قابل پیگیری است.

اشکالات را همه می‌دانیم اما برای رفع این مشکلات هرکدام از ما به اندازه خودمان و حیطه تأثیرمان و دسترسی‌هایمان مسئولیتی داریم. نه فقط برای رفع تکلیف؛ بلکه اگر انسان برای رضای خدا قلمی یا قدمی بردارد، یا مثلاً تلفنی بزند، بدانید که خداوند در آن کار حتماً برکت قرار خواهد داد؛ حتماً. نه اینکه خدای نکرده بخواهید انگلی به کسی بزنید نه، بلکه از

روی دغدغه، تلفنی بزنید یا نامه‌ای بنویسید؛ حتماً خداوند در این کار اثر قرار خواهد داد. راهش فقط غصه خوردن و در جمعی نشستن و گفتن و رد شدن نیست. هرکس به قدر توان خودش، بدون توقع تشویق یا خوش آمدن یا ترس از برخوردن به کسی، باید تکلیفش را انجام دهد. راهی غیر از این نیست و همه باید همین روش را دنبال کنیم.



الحمد لله شاهد این هستیم که خانواده تجسمی در حوزه

مسائل فلسطین اتفاقات خوبی را رقم زده است:

جشنواره هولوکاست ۳ را به همت آقای سید مسعود شجاعی

در پیش داریم؛

هویت بصری طوفان الاقصی اثر همین شبکه طراحان مردمی است؛

آثار طراحان ایران روی دیوارهای غزه در حال اجرا شدن است؛

کارهای خوبی در برزیل از طریق پیگیری همین بچه‌ها صورت

گرفته است؛

خواستم از این طریق عرض کنم که در تجسمی ظرفیت خوبی

وجود دارد و در خدمت جبهه مقاومت است.

---

انفاقاً تولید این گونه آثار که در شرایط سخت تولید می‌شود، اثراتش خیلی



بیشتر از شرایط عادی است. این خودش یک عملیات استشهادی است که آثارش باقی می‌ماند. اثری که روی دیوار ویران اجرا می‌شود، نشان‌دهنده این است که با شکستن این دیوار، روحیه مقاومت هنوز نشکسته. دیوارِ شکسته قاب جدیدی برای آن اثر است و خود این اثرگذارتر است. باید کمک کنیم این کارها بیشتر انجام شود. این کارها فقط روحیه‌دادن نیست، بلکه نمایش وجود روحیه مقاومت در مردم است. خیلی زیباست. ان شاء الله این کارهای شما در دیوارها و لوح محفوظ نزد خداوند ثبت شود. کار شما فقط اینجا روی این دیوارها نیست، آنجا زیباتر است.



چند جمله‌ای از نهج البلاغه می‌خواهم بخوانم:

أَمَّا إِنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحِبُ الْبُلْعُومِ مُنْدَحِقُ الْبَطْنِ  
يَأْكُلُ مَا يَجِدُ وَيَطْلُبُ مَا لَا يَجِدُ فَاقْتُلُوهُ وَلَنْ تَقْتُلُوهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ سَيِّئُ الْمُرُومِ  
بِسَيِّئِ الْبِرَاءَةِ مِمِّي فَأَمَّا السَّبُّ فَمُسْبُونِي فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ وَلَكُمْ نَجَاةٌ وَأَمَّا  
الْبِرَاءَةُ فَلَا تَتَّبِعُوا مِمِّي فَإِنِّي وُلِدْتُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَسَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَ  
الْهِجْرَةِ. (خطبه ۵۷)

آگاه باشید! پس از من مردی با گلوی گشاده، و شکمی بزرگ  
بر شما مسلط خواهد شد، که هرچه بیابد می‌خورد، و تلاش



◀ سلسله گفتارهای تبیینی محور مقاومت «۱» ▶

می‌کند آنچه ندارد به دست آورد. او را بکشید. هرگز او را نخواهید کشت. آگاه باشید! به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگویی از من وادار می‌کند، بدگویی را به‌هنگام اجبار دشمن اجازه می‌دهم که مایهٔ بلندی درجات من و نجات شماست، اما هرگز در دل از من بیزاری نجوید که من بر فطرت توحید تولد یافته‌ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم‌تر بوده‌ام.

نظام جمهوری اسلامی آمد و علیه جریانی اقدام کرد که هدفش از بین بردن دیانت است، جریانی که می‌خواهد دنیا و آخرت ما را بگیرد. این، به‌عنوان افتخارات سرداران جهاد و شهادت ماست. من چطور می‌توانم برای مردم تبیین کنم که معاویهٔ آن روز، اسرائیل امروز است. و اسرائیل چگونه می‌خواهد هم آخرت اسلام را بگیرد و هم دنیای اسلام را. ما باید برای این، کارهای مشترکی انجام دهیم. این صحنه هم نیاز به یک جهاد دارد. یک کار هم این است که ما ارتباطاتمان را با افراد فلسطینی بیشتر کنیم و فاصله‌های مذهبی‌ای که دشمن القا کرده را کنار بزنیم تا از این طریق بتوانیم مسائل را برای مردم تبیین کنیم.

---

در سال‌های گذشته، تمام تمرکز دشمن برای به‌انحراف‌کشاندن اذهان به این سمت بوده که؛ ایران می‌خواهد غزه را شیعه کند. و همهٔ تمرکز

حکام عرب معاند هم همین بوده که ایران مقاومت را بهانه قرار داده تا برای مباحث سیاسی از آنها سوءاستفاده کند و مردم را ابزار دست، و شیعه کند. کارهای وسیعی در زمینه نشر این فکر انجام می‌شود. واقعاً ظلم به جمهوری اسلامی است که بگذاریم این باور و حرف دشمن برایش مصداق پیدا شود و جا بیفتد.

اگر ما همین کار فعلی‌مان را درست انجام بدهیم و آن که سنی است ما را به‌عنوان شیعه بپذیرد و قبول کند، برای ما کفایت می‌کند. همان‌طور که امام صادق علیه السلام فرمودند، ما باید زینت باشیم برای ائمه. ما منتسب به ولایت و اهل بیت هستیم؛ اینکه بگویند: این شیعیانِ اثنی‌عشری چقدر انسان‌های خوب و مخلص هستند، اینها مریدان آقای خامنه‌ای هستند، برای ما کفایت می‌کند. همین اندازه باعث می‌شود که تبعیت به‌معنای واقعی اتفاق بیفتد. اگر کل غزه و فلسطین سنی بماند و پای رکاب آرمان فلسطین و اسلام ناب باشند، بسیار برای ما بهتر و مطلوب‌تر است.

همه این مقاومت و پایداری مردم غزه با حمایت جمهوری اسلامی است. این را خودشان و حتی خود دشمن هم می‌گویند. آقای زیاد نخاله در نمازجمعه روز قدس امسال در تهران گفتند: سلاحی که ما در غزه با آن می‌جنگیم سلاح جمهوری اسلامی است. وقتی دوست و دشمن اذعان می‌کنند و بیش از یک میلیارد سنی در جهان اهل تسنن می‌شنوند، طبعاً اثرگذارتر است تا اینکه مثلاً بیاییم دو سه هزار نفر شیعه تربیت و دور

خودمان جمع کنیم؛ درحالی که هیچ کاری هم از دستشان برنمی آید. اینها اگر هم خودشان بخواهند شیعه بشنود، اشکالی درش نیست، اما اگر بخواهیم برای این کار تشکّل راه بیندازیم و با این عنوان دیگران را تقویت و کمک کنیم، ظلم به جمهوری اسلامی و مقاومت است. متأسفانه بعضاً دیده می شود وقتی کسی عنوان می کند که من شیعه هستم، آب از لب ولوچه افراد آویزان می شود و کلاً درخدمتش درمی آیند. و مورد سوءاستفاده واقع می شویم.



### کجا جمهوری اسلامی باید عاملیت مستقیم داشته باشد؟

---

ما باید معنای ورود به جنگ را تعریف کنیم. مگر الان جنگ نیست؟ ما هرچه که باید در تقویت مقاومت، البته به مقتضای زمان، کمک می کردیم، کردیم. هرچه باید علیه دشمن اقدام می کردیم، کردیم. هرچه باید نقشه ها و توطئه های دشمن را خنثی می کردیم، کردیم. خیلی وقت ها خیلی چیزها را نمی شود با این صراحت در صحن جامعه گفت؛ ولی بدانید که خیلی از چیزهایی که اتفاق می افتد، فعل نیست، ردالفعل است. ما که بیکار ننشسته ایم. اینکه دشمن می گوید هرچه به سر ما می آید، زیر سر ایران است، نشانه همین است. می گوید کرانه باختری زیر سر ایران

است. در دو سه سال گذشته، ما به طور متوسط بعضاً روزانه چهل درگیری در کرانهٔ باختری داشتیم. شما تصور کنید در یک شهرستان کوچک در ایران روزی چهل درگیری باشد. چنین چیزی در ایران نیست، ولی در کرانهٔ باختری هر روز این اتفاق می افتد و خودشان می گویند که پوشش تسلیحاتی، اطلاعاتی و پشتیبانی از جانب کیست. بعد اینجا می گویند چرا مستقیم تل آویو را نمی زنیم.

وقتی شما بدانید که اینها همه عکس العمل دشمن است و دشمن صدجا دردش آمده و یک جا کاری کرده، آن وقت با رصد درست و رصد گفته های دشمن، متوجه خواهید شد که نباید احساسی عمل بکنید.

ایران در دنیا به صبر و تدبّر معروف است. همین هم باعث شده که ما، هم به دشمن ضربه زدیم، و هم این حرم را حفظ کرده ایم. اینکه حاج قاسم می گوید جمهوری اسلامی حرم است، یا امام می فرمایند حفظ این نظام از حفظ جان امام زمان واجب تر است، یعنی این. توضیح امام هم این است که امام زمان هم می آید و جانش را فدا می کند برای حکومت اسلامی؛ ائمه هم همین کار را کردند. حتی ما می گوئیم این درست نیست که ما از ترس جنگ نشدن حرکتی نمی کنیم، بلکه ما جنگ را به دشمن تحمیل کرده ایم. جمهوری اسلامی در متن و در رأس این مقاومت است. روزانه این فرسایش را به دشمن تحمیل کردیم و این طوفان ادامه خواهد داشت.



## کُنش ما چه بود که واکنش بزرگ ترور حاج قاسم را در پی داشت؟

---

من از خودم پاسخ شما را نمی‌گویم، حرف دیگران را می‌گویم: سطوح مختلفی از مسئولین کشورهای عربی گفتند که ایران چهار ارتش را در منطقه از بین برده و چهار ارتش مقاومتی جایگزینش کرده. البته این ادعای دروغ و غلطی است و مورد به مورد جای بحث دارد. بخش اول کاملاً برعکس است. ارتش‌ها را تقویت کردیم و بخش دوم درست است؛ مقاومت را به کمک ارتش کلاسیک آوردیم. آیا به نظرتان این دلیل کافی برای اقدام علیه حاج قاسم نیست؟ خط مقاومتی که الان در برخی از کشورهای عربی حاکم است، چه کسی به ایجاد یا تقویتش کمک کرده؟ آن خط سازش را چه کسی از بین برده؟ الگوی استقلال ذاتی و مقاومت پیروز را چه کسی به منطقه وارد کرده؟ وسیلهٔ این کار از طرف جمهوری اسلامی چه کسی بوده؟ «حاج قاسم». آیا با رفتن حاج قاسم کارهایش از بین رفت؟ الان همین جنگ طوفان الاقصی محور مقاومت را تثبیت کرده است. همان محور مقاومتی که ما روزی فقط حرفش را می‌زدیم. پایه‌گذار یک دل و یک دست شدن حماس، جهاد، یمن، سوریه، عراقی‌ها و تشکیل اتاق عملیات مشترک، آن‌هم با محوریت موضوع آرمانی قدس و فلسطین، چه کسی بوده است؟ این می‌شود که آنها متوجه این موضوع و کلاه گشادی که سرشان رفته

می‌شوند و می‌رسند به این که حاج قاسم را بزنند. ازدست‌دادن حاج قاسم خسارت بزرگی بود، ولی به فرموده حضرت آقا: «شهید قاسم سلیمانی به مراتب قوی‌تر از قاسم سلیمانی است»؛ این شعار نیست، واقعیت است. محور مقاومت الان به ثمر نشسته و مشغول جنگ با دشمن است. یمنی‌ها ناو آمریکایی را به پشتوانه چه کسی و با سلاح چه کسی زدند؟ اینها اتفاقاتی است که افتاده، اما نمی‌بینیم. اینکه آمریکا در دریای سرخ ضربه می‌خورد و جرئت نمی‌کند وارد جنگ شود، نقطه قوت است. ورود مستقیم به جنگ که نقطه قوت نیست؛ بهانه برای ورود به جنگ مستقیم می‌شود. درحالی که دشمن - به گفته خودشان - به فرسایش و چالش و افول کشیده شده. حرف‌های آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها را قدری مطالعه کنید. یکی از خوبی‌های رسانه حزب‌الله لبنان این است که حرف‌های دشمن را بدون تحلیل انعکاس می‌دهند. شما می‌توانید متولی این کار در فضای مجازی باشید. حرف‌های دشمن را بدون تحلیل انعکاس بدهید.



این درست است که نیروی قدس بعد از شهادت حاج قاسم،  
ضعیف شده است؟

به جرئت به شما می‌گویم: کاری که حاج قاسم فرصت نکرد به سرانجام برساند، حاج اسماعیل مشغول انجام دادنش است. کما اینکه حضرت آقا اکنون دارند آرمان‌ها و کارهای حضرت امام را کامل می‌کنند و انجام می‌دهند.

الآن وضعیت حتماً بهتر شده! ولی نه به این معنا که حاج قاسم ضعیف بوده. کارهای زیرساختی‌ای که حاجی انجام داده، تازه دارد الان ثمر می‌دهد. طبیعی است که کارهایی که حاج قاسم در زمان جنگ انجام می‌داد، الان حاج اسماعیل در شرایطی که در عراق و سوریه، دولت حاکم است، انجام نمی‌دهد. الان، ما وظیفه تقویت دولت و مجلس در این کشورها را داریم. نمی‌توانیم بدون هماهنگی قوای حاکم در آن کشورها مثل زمان جنگ عمل کنیم. و این دلیل بر ضعف حاج اسماعیل نیست؛ بلکه شرایط عوض شده. پیش‌بردن توأمان مقاومت و تثبیت دولت، خودش نشانه قدرت است. کاری که الان ایشان انجام می‌دهد، کار سخت‌تری است.

من خاک‌پای هر دوی این عزیزان هستم و هر دو را درک کرده‌ام؛ هیچ تفاوتی بین نگاه این دو بزرگوار نمی‌بینم. تفاوت عملکردها به اقتضای زمان هر کدام متفاوت است. بلا تشبیه مانند زمان زندگانی ۲۵۰ ساله ائمه علیهم‌السلام. هر چند الان هم در زمان صلح نیستیم. الان مقاومت گسترش یافته و اقتضانات زمان تغییر کرده، با همان آهنگ و ساز و کار قبل نمی‌توان پیش رفت، چون شرایط سخت‌تر شده.





## نگاه جامعه فلسطینی به مبارزه چیست؟

---

از چند جهت می‌شود به این سؤال مهم و کلیدی و قابل‌الگوبرداری برای جامعه خودمان جواب داد. مهم‌تر از همه ابعاد این است که در فلسطین دو جریان بوده است؛ یکی سازش، یکی مقاومت. اینکه حضرت آقا هم به این اشاره داشتند که هزینه مقاومت کمتر از صلح است، مصداق برترش در فلسطین است. یعنی آنجا عینیت پیدا کرده است. اگر این را در داخل بگوییم، خیلی نیاز به توضیح دارد و ممکن است خیلی‌ها نپذیرند و چندان محسوس نیست. اما در فلسطین حتی برای عوام مردم هم روشن است که مقاومت کم‌هزینه‌تر از سازش است. چون اینها هفتاد سال است زیر چکمه اسرائیل هستند و هر جا که مقداری سازش کردند، توی سرشان خورده. اینکه در غزه می‌بینید مردم دیوانه‌وار مقاومت می‌کنند و می‌گویند «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» نشانه همین است که برای آنها جا افتاده است که این هزینه کمتر از سازش است. رشد باور مقاومت در فلسطین نسبت به جوامع دیگر بسیار عالی و بیشتر بوده و با اطلاع می‌گویم که یکی از عوامل اصلی این رشد، همین منطق طلایی حضرت آقا است که حتی بین عوام جامعه فلسطینی هم جا افتاده: «هزینه مقاومت کمتر از سازش است.»

بنا به گزارش سرویس‌های امنیتی اسرائیل، همهٔ این دستگیری‌هایی که توسط اسرائیل انجام می‌شود، به کمک سلطهٔ فلسطینی است که در همهٔ زمینه‌ها سازش کرده و علی‌رغم این‌همه خلوصی که این سلطهٔ فلسطینی در کمک به اسرائیل دارد، یک امتیاز هم به اینها ندادند. این همان تعبیری است که در قرآن هم آمده است که می‌فرماید: «لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ» (بقره/ ۱۲۰)، هرگز از شما راضی نمی‌شوند الا اینکه از همه چیز آنها تبعیت کنید. یعنی دیگر خودتان نباشید.



### آیندهٔ میدان جنگ را چطور می‌بینید؟

---

نگرانی‌هایی وجود دارد، ولی دغدغهٔ اصلی نیست. تصور کنید باریکهٔ غزه با آن مشخصات جغرافیایی خاص، هفت ماه است که در حال مقاومت درمقابل شش لشکرزهی پیاده و نیروی ویژهٔ اسرائیل است. مأموریت یکی از این لشکرها فقط ازین‌بردن مظاهر حکومتی در غزه است. به همین دلیل می‌بینید بیمارستان شفا که بعد از عقب‌نشینی به مرکز مدیریت شهری تبدیل شده بود، آن‌طور دوباره مورد حمله قرار گرفت. هرجا که اسرائیل کنار می‌کشد، پلیس و امنیت و مدیریت شهری برمی‌گردند سرجایشان و به کار مشغول می‌شوند.

پس می‌بینیم که مقاومت این قدرت را دارد که علی‌رغم اختلاف نظرها،  
اجماعی ایجاد کند و حکومت را در غزه دوباره شکل دهد.



باید مشخص کنیم که بعد از طوفان الاقصی چه باید بکنیم. آیا به دو  
دولتی شدن راضی خواهیم بود؟ وقتی جمهوری اسلامی مشخص  
کند که چه می‌خواهد، می‌شود برای مردم هم تبیین کرد.

---

اولاً ما طرح داریم. حضرت آقا طرح فراندوم را مطرح فرموده‌اند. طرح  
منطقه‌ای هم داریم. گلوگاه منطقه موضوع فلسطین است و اگر ما برای  
فلسطین طرح داشته باشیم، بقیهٔ مسائل قابل حل است. این موضوع بر  
هر اساسی حل شود، منطقه هم بر همان اساس رقم می‌خورد. طرح امام  
خامنه‌ای و طرح جمهوری اسلامی را اتفاقاً بعد از طوفان الاقصی دنیا دارد  
فهم می‌کند. الان برای همه این موضوع جا افتاده است. اینکه اسرائیل  
واقعاً غدهٔ سرطانی است، الان برای مردم دنیا جا افتاده است. چه کسی  
این را می‌پذیرفت؟ حتی بایدن هم می‌گوید که اسرائیل دیگر دوستی  
ندارد. بحث پشتیبانی ایران، تشکیل منطق مقاومت، برپایی فراندوم،  
اینها طرح‌های جامعی است.

وقتی ترامپ گفت هفت هزار میلیارد در منطقه هزینه کردیم و هیچ

دستاوردی نداشتیم، یعنی اینها طرح داشتند؛ برای عراق، یمن و کشورهای دیگر طرح داشتند. چه کسی اینها را به چالش کشاند؟ چه کسی به شکست کشاند؟ آنها به هیچ وجه موفق نشدند.

هیچ گروه مقاومتی طرح دو دولتی را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت. این طرح ابدأً قابل پذیرش نیست. دو دولتی، یک اجماع اروپایی، آمریکایی، عربی و سلطه فلسطینی است. دوتا مخالف سرسخت هم دارد؛ اول مقاومت و جمهوری اسلامی و دوم اسرائیل! به همین دلیل این طرح، عملی نخواهد شد. بقیه نمی‌توانند کاری بکنند. در امور سیاسی اگر می‌بینید گروه‌های مقاومت نسبت به دو دولتی عکس‌العملی نشان نمی‌دهند، معنی آن موافقت نیست. یعنی طوفان الاقصی قرار است این غده سرطانی را بکند و جدا کند و حتماً این کار خواهد شد؛ ان شاء الله.

فلسفه فرسایش همین است. ممکن است در مقطعی ما توازن قدرت نداشته باشیم و توان مقابله مستقیم نداشته باشیم که کار را یک‌سره کنیم. اما استراتژی ما در این مرحله فرسایش است.



اینکه اسرائیل دارد مشکلات اقتصادی را جبران می‌کند آیا اینها جایگزین نمی‌شود؟

فقط همین شریانی که در دریای سرخ بسته شده با هیچ چیز جایگزین نخواهد شد. حتی ده درصد این را هم نمی‌توانند تأمین کنند. خسارت اقتصادی دشمن در این چند ماه، هشتاد میلیارد دلار بوده است. مثلاً در یک مورد از آن بیش از صدوپنجاه هزار کارگر غیر اسرائیلی از گردونه کارکردن خارج شده‌اند؛ جایگزین هم ندارند. حالا می‌خواهند از تایوان و دیگر کشورها کارگر بیاورند که بازهم نمی‌توانند آن را تأمین کنند. کارگر کرانه باختری، صبح از خانه می‌رفت سر کار و شب برمی‌گشت. این نیرو را از کجا می‌خواهند بیاورند؟ کارخانه‌ها تعطیل مانده‌اند. کارگاه‌ها تعطیل شده است. زراعت تقریباً تعطیل شده؛ نه‌اینکه کم شده، تعطیل شده است. در جواب اینکه می‌گویند خط زمینی به‌عنوان جایگزین راه افتاده است، باید بگوییم که یک کشتی به‌اندازهٔ بیش از صد هواپیما بار می‌برد. هزاران کامیون نمی‌توانند جایگزین کشتی شوند. اجناس گران شده، ارزش پول کم شده. ولی چون الان درگیر جنگ هستند، متوجه این موضوع نیستند و خیلی به این موضوعات نمی‌پردازند. اینها یک‌جا خودش را نشان خواهد داد.

من به این باور دارم و حرفی کارشناسی است: «فروپاشی در اسرائیل اتفاق افتاده است». یک جسم و اسکلت فقط مانده، ولی تلنگری نیاز دارد که فرو بپاشد. چالش‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، بین‌المللی خیلی برایشان زیاده شده است.

و السلام علیکم و رحمت الله



لبنان

دمشق

مزارع  
شعبا

صور

جبل عامل

قنيطرة

جولان اشغالی

دریای  
مدیترانه

سوریه

صفد

حیفا

ناصره

اردن

رود اردن

جنین

نابلس

تل آویو

یافا

کرانه باختری  
رود اردن

امان

رام‌الله

بیت المقدس

الخلیل

نوار غزه

بئر السبع

گذرگاه  
رفح

دیمونا

مصر

صحرای نقب